



آغاز چرخش گفتمان در برنامه‌ها برای ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهر تبریز

امیر شاهگلی*

از حدود ۱۷-۱۸ سال همچنان در جریان روند آن‌ها قرار دارم. در زمانی که هنوز پروژه‌ها را شروع نکرده بودیم و در جمع‌هایی که مهندسان مشاور هم حضور داشتند، درخواست مدیریت شهری این بود که فضاهای شهری مناسبی در این محدوده‌ها ساخته شود که سرزندگی ایجاد کند. چشم‌اندازی هم که مشاوران برای مدیریت شهری ترسیم می‌کردند نشان می‌داد که با اجرای پروژه‌های پیشنهادی آن‌ها، فضاهایی شکل می‌گرفت که سرزندگی در این محدوده‌ها به وجود می‌آورد. این پروژه‌ها به صورت بلوک به بلوک ولی در هماهنگی با هم در بافت قدیمی شهر تعریف شدند. مرحوم مهندس میرمیران، از طرف مهندسين مشاور نقش جهان پارس، طرح تفصیلی منطقه تاریخی - فرهنگی شهر تبریز را تهیه می‌کردند و به عنوان مشاور مادر، مسئولیت هماهنگی و نظارت بر پروژه‌هایی را که به مهندسين مشاور باوند، مهندسين مشاور تجیر (مرحوم دکتر صارمی) و مهندسين مشاور صفامنش و همکاران واگذار شده بود بر عهده داشتند. پروژه‌ها شروع شد ولی به کندی پیش می‌رفت که این امر بخشی از واقعیت اقدامات عمرانی در کشور ما است. بالاخره پس از گذشت مدت

ترجیح می‌دهم با مرور تجربه دو دهه اخیر تبریز که در بطن آن قرار داشتم آغاز کنم. به حدود ۱۷ سال قبل برمی‌گردم که بعد از جنگ، تب و تاب طرح‌های تجددگرایانه در شهرها اوج گرفته بود و تهران پرچمدار آن بود. انگار که محدوده‌هایی از شهر فریاد می‌زدند بیایید ما را از نو بسازید، چه در مقیاس کلان و چه در مقیاس خرد. شاهد تغییرات بسیار سریعی در شهر بودیم. ساختمان‌های قدیمی تخریب می‌شد و به جای آن‌ها ساختمان‌های جدید ساخته می‌شد. این موج گریبان‌گیر بیشتر شهرهای ما شده بود. در همان اوان، مدیریت شهری در تبریز تصمیم گرفت این جریان را به سمت پروژه‌های شهری کلان هدایت کند. یعنی با تخریب ساختمان‌های فرسوده در یک بلوک شهری و سپس تجمیع اراضی، پروژه‌هایی به صورت بزرگ مقیاس در آن تعریف شود که بتواند پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای شهر باشد. مدیریت شهری در آن زمان برای این کار به تعدادی از مهندسان مشاور معمار و شهرساز شناخته‌شده و توانمند متوسل شد و در آن مقطع توانست بخش مهمی از توان علمی و تخصصی کشور در بخش معماری و شهرسازی را به خدمت خود درآورد. بنده از همان زمان در جریان این پروژه‌ها بوده‌ام و خوشحالم که اکنون پس



منبع: کتاب دومین دوره مسابقه عکاسی جستجوی کیفیت در شهر از دریچه تصویر (۱۳۹۶)
عکس: حمید سلطان آبادیان

زمان قابل توجهی، پروژه‌ها به هر صورتی که بود سر و شکلی به خود گرفت.

امروز در حالی که بخش عمده‌ای از این پروژه‌ها بر اساس ایده و طرح مهندسان مشاور ساخته شده است، متوجه می‌شویم که با وجود این که کالبد ساخته شده انصافاً قابل دفاع است، روحی را که در آن جست‌وجو می‌کردیم ندارد. از همین زمان بود که به فکر افتادیم برای حل این مشکل جایی جز کالبد را جست‌وجو کنیم. غفلت ما در این بود که به حرکت و روحی که در فضاها وجود داشت توجه لازم را نکرده بودیم، یعنی درک و شناخت خوبی از محیط و فضا نداشتیم. این ایراد هم به مهندسان مشاور وارد است و هم به ما مدیران شهری. همکاران و متخصصان بومی ما نیز که هم خودشان و هم اجدادشان سابقه سکونت در تبریز را داشتند از این عیب مبرا نبودند. این درک و شناخت را نه از معماران و شهرسازان که می‌بایست از متخصصان علوم انسانی می‌گرفتیم. جای علوم انسانی در پروژه‌هایی که تعریف شده و به طور کلی در توسعه شهر، کاملاً خالی بود. ما به این نتیجه رسیدیم که وقتی از توسعه شهر صحبت می‌کنیم، منظور ما تنها توسعه کالبدی شهر نیست و بالندگی شهر نیز بخش غیرقابل تفکیکی

از توسعه آن است. آنچه برای بالندگی شهر نیاز داریم خوراکی است که باید متخصصان علوم انسانی به معماران و مدیران شهری بدهند. همین موضوع ما را واداشت که دست یاری به سوی این قشر جامعه دراز کنیم. وقتی می‌گوییم این قشر جامعه، منظور این است که باید پروژه‌های خود را مردمی کنیم و حضور مردم را در آن‌ها افزایش دهیم. صاحب‌نظران مورد نظر ما اقشار مختلفی را شامل می‌شدند، از جمله نویسندگان، شاعران، خطاطان، فیلم‌سازان، اهالی تئاتر، موسیقی‌دانان، بازاری‌ها و قشرهای دیگر. جالب است در ابتدا که با این افراد صحبت می‌کردیم، می‌گفتند ما نمی‌توانیم در مورد مسائل توسعه شهری به شما کمک کنیم چون در تخصصمان نیست. این نشان می‌داد آن رابطه‌ای که باید بین شهر و مورخ، شهر و موسیقی‌دان، شهر و نویسنده وجود داشته باشد، یا به وجود نیامده یا خیلی ضعیف شکل گرفته است. بعد از آن که به دفعات با این افراد صحبت می‌کردیم و نسبت به موضوع شهر حساس می‌شدند، انعکاس این حساسیت را در کارهای آنان هم می‌دیدیم؛ و وقتی مطالبی را که این خانم‌ها و آقایان ابراز می‌کردند در جلساتی که با همکاران معمار و شهرساز خود داشتیم مطرح می‌کردیم، می‌گفتند

اشخاصی که آشنا به علوم معماری و شهرسازی نیستند چطور توانسته‌اند تا این حد نظر خوب کارشناسی بدهند. این نشان دهنده نیاز ما به ارتباط با آنان است و این گروه هستند که ابزار لازم برای شناخت را به مدیران و مهندسان مشاور معمار و شهرساز می‌دهند تا بتوانند درک صحیحی از محیط شهر داشته باشند و صرفاً با نگاه کالبدی به توسعه شهر نگاه نکنند.

این موضوع که روح درون کالبد بسیار مهم‌تر از خود کالبد است، ما را به فکر تشکیل جمعیتی انداخت که اعضای آن از اقشار و تخصص‌های مختلف باشند و حول موضوع شهر دور یک میز جمع شوند. ما معتقدیم این جمعیت می‌تواند کمک مؤثری به مدیریت شهری و همچنین برنامه‌ریزان و طراحان شهری بکند که در پروژه‌ها از خواسته‌ها و حضور مردم بهره بیشتری ببرند. تلاش کرده‌ایم در جمعیت «حامیان توسعه مردم‌محور تبریز» نمایندگان از حرفه‌ها و رشته‌های مختلف داشته باشیم، یعنی هم بازاریان در آن نماینده داشته باشند و هم جامعه پزشکان، مهندسان، فرهنگیان، نویسندگان و صاحبان دیگر حرفه‌ها. در مورد این که چطور می‌توانیم این افراد را شناسایی کنیم، بنده معتقدم در همه شهرها سازمان‌های مردم‌نهاد نامرئی وجود دارد که خود به خود شکل گرفته‌اند و در مورد عملکردها قضاوت می‌کنند. رسمی نیستند ولی قابل شناسایی‌اند. در شرایطی که نظام و روند انتخابات نهادهای مدنی ما مشکل دارد، این تشکل‌ها می‌توانند بخشی از این خلأ را پر کنند. این افراد از طریق تعدادی از اعضای ما شناسایی شدند و فکر می‌کنم انتخاباتشان درست بوده است چون با درکی بالا از مشکلات شهر و با علاقه می‌آمدند و دور یک میز می‌نشستند. البته ما هم برای برقراری ارتباط با آن‌ها انرژی زیادی گذاشته‌ایم. وقتی می‌گویم ما، منظور مجموعه‌ای بزرگ است که فقط در تبریز هم خلاصه نمی‌شود. آقای سید رضا هاشمی با آن همه تجربه خیلی به ما کمک کردند و مرتب در جلسات حضور داشتند، یا آقای دکتر گودرزی که خودشان تبریزی نبودند ولی با علاقه در جلسات شرکت می‌کردند و برای نزدیک شدن به یک زبان مشترک

کمک زیادی کردند.

همان طور که شهر همچون یک موجود زنده و پویا دائم در حال حرکت است، اعضای جمعیت ما هم تغییر خواهند کرد. مهم این بود که جمعیت شکل بگیرد و از منظر گرایش‌های مختلف به توسعه و بالندگی شهر توجه شود. می‌دانیم که راه دراز است و ما هنوز در اول کاریم. الان داریم استراتژی مشخصی برای فعالیت این جمعیت تدوین می‌کنیم. می‌دانیم کارمان راحت نیست و حوصله می‌خواهد، و این را هم می‌دانیم که راه دیگری غیر از این نداریم. پروژه‌هایی که در طی ۱۷ سال انجام داده‌ایم، یکی از بزرگ‌ترین مداخلات در شهر است و هزینه‌های زیادی هم برآیمان داشته است. ما نمی‌توانیم از تبعات و نتایج کارهایمان به راحتی عبور کنیم و حتماً باید تجربه‌ای را که در این زمینه داشتیم نقد کنیم. نقد این موضوع هم راه و روش خاص خودش را می‌طلبد. این درست نیست که فقط معماران و شهرسازان یا مدیران شهری این اتفاقات را نقد کنند. ما نیاز داریم این نقد را مردم انجام بدهند و باید فضا و زمینه‌ای به وجود بیاوریم که همه‌جانبه انجام پذیرد. نمی‌خواهیم این تجارب ارزش‌مند مجدداً در جای دیگری از شهر یا در شهرهای دیگری از کشور تکرار شود. متأسفانه من شاهد هستم که هنوز هم در شهرهای ما آزموده‌هایی که می‌دانیم خطا است تکرار می‌شود. حضور شما و همین صحبت‌ها می‌تواند در جلوگیری از تکرار اشتباهات و غفلت‌هایی که در مورد توسعه شهر داشته‌ایم مؤثر واقع شود.